

Cognitive Application of John Searle's Speech Act Theory in Legal Discourse: A Case Study of the Statements of Members of the Dispute Resolution Council

1. Mitra Rezazadeh: PhD Student, Department of English Language and Linguistics, Kermanshah Branch, Islamic Azad University, Kermanshah, Iran
2. Akram Korani*: Assistant Professor, Department of English Language and Linguistics, Kermanshah Branch, Islamic Azad University, Kermanshah, Iran. Email: Korani.akram@iauksh.ac.ir (Corresponding Author)
3. Ali Moradi: Assistant Professor, Department of English Language and Linguistics, Kermanshah Branch, Islamic Azad University, Kermanshah, Iran

ABSTRACT

Discourse analysis and its cognitive applications in the study of legal texts and discourses offer an opportunity to explore their various dimensions. Given the significant role played by the Dispute Resolution Council in promoting a culture of peace and reconciliation in society and reducing the number of cases referred to the judiciary, examining the utterances of the council members based on John Searle's Speech Act Theory through a discourse analysis approach can reveal the role of various speech acts and propositions in advancing the resolution of disputes and conflicts among clients. In this context, this paper, using a descriptive-analytical method, applies John Searle's Speech Act Theory and discourse analysis to study the transcripts from twenty sessions covering various topics of the Islamabad West Dispute Resolution Council. The data were collected through direct observation and constitute a linguistic corpus. This study reveals that, among the five categories of speech acts in this linguistic corpus, all five were represented in the following order of frequency: assertive, directive, expressive, declarative, and commissive. However, the members of the Dispute Resolution Council, depending on the situational context, employed expressive and directive speech acts to indirectly incorporate assertive, directive, and expressive acts in their language to foster peace and reconciliation between the disputing parties. This was done to implicitly inform the audience and, in some cases, to criticize or encourage the parties to withdraw from the dispute through recommendations and expressions of hope.

Keywords: *Speech act, Dispute Resolution Council, Searle, linguistics*

How to cite: Rezazadeh, M., Korani, A., & Moradi, A. (2024). Cognitive Application of John Searle's Speech Act Theory in Legal Discourse: A Case Study of the Statements of Members of the Dispute Resolution Council. *Comparative Studies in Jurisprudence, Law, and Politics*, 6(4), 31-48.

© 2024 the authors. This is an open access article under the terms of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0) License.

Submit Date: 11 September 2024
Revise Date: 20 October 2024
Accept Date: 03 November 2024
Publish Date: 24 December 2024



پژوهش‌های تطبیقی فقه،

حقوق و سیاست

بررسی کاربردشناختی نظریه کنش‌های گفتاری جان سرل در گفتمان حقوقی: مطالعه موردی کارگفت‌های اعضای شورای حل اختلاف

۱. میترا رضازاده: دانشجوی دکتری، گروه آموزش زبان انگلیسی و زبان‌شناسی، واحد کرمانشاه، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمانشاه، ایران
۲. اکرم کرانی*: استادیار، گروه آموزش زبان انگلیسی و زبان‌شناسی، واحد کرمانشاه، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمانشاه، ایران. پست الکترونیک: Korani.akram@iauksh.ac.ir (نویسنده مسئول)
۳. علی مرادی: دانشیار، گروه جامعه‌شناسی، واحد کرمانشاه، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمانشاه، ایران

چکیده

مباحث تحلیل گفتمان حقوقی و کاربردشناختی آن در مطالعه متون و گفتمان‌های حقوقی فرصت واکاوی زوایای مختلف آنها را فراهم می‌کند. با عنایت به نقش تأثیرگذاری که شورای حل اختلاف در گسترش فرهنگ صلح و سازش در جامعه و کاهش پرونده‌های ورودی به دادگستری داشته‌است، بررسی پاره‌گفتارهای اعضای شورا بر اساس نظریه کنش گفتاری جان سرل با رویکرد تحلیل گفتمان، می‌تواند نقش انواع کنش‌ها و گزاره‌های گفتاری را در پیشبرد حل دعاوی و اختلافات مراجعان، نشان دهد. در همین راستا، این مقاله با روش توصیفی - تحلیلی، بر اساس نظریه کنش گفتاری جان سرل و با رویکرد تحلیل گفتمان به مطالعه متن مستخرج از بیست جلسه با موضوعات مختلف شورای حل اختلاف اسلام‌آباد غرب می‌پردازد که به روش مشاهده مستقیم و به‌عنوان پیکره زبانی گردآوری شده‌است. این بررسی نشان می‌دهد که از میان کنش‌های گفتاری پنج‌گانه در این پیکره زبانی، هر پنج مورد به ترتیب فراوانی از کنش گفتاری اظهاری، ترغیبی، عاطفی، اعلامی تا تعهدی نمود دارند. البته اعضای شورای حل اختلاف با توجه به بافت موقعیت، فعل مضمون در سخن خود را جهت نیل به صلح و سازش بین طرفین دعوا در قالب کنش‌های گفتاری عاطفی و ترغیبی در لایه‌های غیرمستقیم سه کنش اظهاری، ترغیبی و عاطفی می‌نهند تا به‌صورت ضمنی مخاطب را آگاه کنند و در مواردی طرفین را سرزنش یا با توصیه و امیدبخشی، به انصراف از دعوی متمایل نمایند.

واژگان کلیدی: کنش گفتاری، شورای حل اختلاف، سرل، زبان‌شناسی

نحوه استناددهی: رضازاده، میترا، کرانی، اکرم. و مرادی، علی. (۱۴۰۳). بررسی کاربردشناختی نظریه کنش‌های گفتاری جان سرل در گفتمان حقوقی: مطالعه موردی کارگفت‌های اعضای شورای حل اختلاف. پژوهش‌های تطبیقی فقه، حقوق و سیاست، ۶(۴)، ۳۱-۴۸.

© ۱۴۰۳ تمامی حقوق انتشار این مقاله متعلق به نویسنده است. انتشار این مقاله به‌صورت دسترسی آزاد مطابق با گواهی (CC BY-NC 4.0) صورت گرفته است.

تاریخ ارسال: ۲۱ شهریور ۱۴۰۳

تاریخ بازنگری: ۲۹ مهر ۱۴۰۳

تاریخ پذیرش: ۱۳ آبان ۱۴۰۳

تاریخ چاپ: ۴ دی ۱۴۰۳



امروزه یکی از راه‌های گسترش پژوهش‌های نظام‌مند در حوزه‌های مختلف از جمله زبان‌شناسی و حقوق، بهره‌مندی از مباحث میان‌رشته‌ای نظیر زبان‌شناسی حقوقی است. این شاخه نوپا رویکرد نوینی در زبان‌شناسی کاربردی به‌شمار می‌رود که بر عملکرد حوزه‌های مختلف زبان‌شناسی همچون تحلیل گفتمان، معناشناسی، تشخیص معانی حقوقی، واژگان، آواشناسی در تشخیص هویت و نگارش متون حقوقی در ارتباط با قانون نظارت دارد (Aghagolzadeh, 2005). از میان این حوزه‌ها، تحلیل گفتمان حقوقی نیز به یکی از موضوعات مهم در زبان‌شناسی حقوقی تبدیل شده‌است و بافت و فضای قضایی، به‌عنوان یک کنش، می‌تواند در ارزیابی و تفسیر گفتمانی نقش بسزایی داشته باشد (Najafi et al., 1403).

یکی از مباحث مهم در تحلیل گفتمان کاربردی، نظریه کنش گفتاری^۲ آستین (۱۹۷۰)^۳ و سرل (۱۹۶۹)^۴ است. این نظریه بخش مهمی از کاربردشناسی زبان می‌باشد و «موضوع آن معانی خاصی است که مشارکین گفتمان بنا به دانش زمینه‌ای خود و تفسیرشان از بافت، به اجزای تشکیل‌دهنده متن نسبت می‌دهند» (Aghagolzadeh, 1996). آستین (۱۹۷۰) معتقد بود فعل و پاره‌گفتاری که توسط گوینده بیان می‌شود کنش محسوب می‌شود، به این معنا که انسان‌ها با سخن گفتن، افعال بسیاری را از قبیل توصیف‌کردن، شرح‌دادن، امرنهی‌کردن، دعاکردن و... انجام می‌دهند. بعد از وی سرل (۱۹۶۹) در تکمیل این نظریه، کنش‌های گفتاری را در پنج مقوله دسته‌بندی کرد. همچنین فعل مضمون در سخن را به‌عنوان بخشی از مفاهیم اصلی این نظریه مطرح نمود (Austin, 1970; Searle, 1969).

گفتمان شورای حل اختلاف که با هدف رفع اختلاف و برقراری سازش میان مراجعان شکل می‌گیرد، بسترهای مناسبی برای پژوهش‌های گوناگون بر اساس رویکردهای زبان‌شناختی را دارد و از آنجاکه نظریه کنش گفتاری از مهم‌ترین ابزارهای تحلیل افعالی است، کاربست این نظریه در گفتار اعضای شورای حل اختلاف به‌منظور کشف زوایای پنهان آن ضرورتی انکارناپذیر است.

تراکم بالای پرونده در دادگستری‌ها، از چالش‌های انکارناپذیر در دستگاه‌های قضایی به‌شمار می‌آید که گاهی سبب ایجاد مشکلاتی در بررسی به‌موقع و عادلانه آن‌ها می‌شود. از سال‌ها قبل نظام‌های قضایی تصمیم به رفع این معضل گرفته و حل برخی اختلافات میان مردم را به مراجع حکمیت و نهادهای سازشی واگذار کردند. با این اقدام حجم پرونده‌های ورودی به دادگستری‌ها کاهش یافت. در کشور ما نیز پیرو سابقه‌ای که از قبل انقلاب اسلامی در شورای داوری و خانه‌های انصاف برای رفع اختلافات وجود داشت، شورای حل اختلاف از سال ۱۳۸۱ رسماً شکل گرفت و تاکنون با بهره‌مندی از روش‌های جایگزین قضایی مانند میانجیگری و داوری باهدف دستیابی به فرهنگ صلح و سازش و گسترش آن در جامعه و مآلاً تمرکززدایی از دادگستری‌ها، به‌طور نسبی با عملکرد مؤثری ظاهر شده‌است. اینک با توجه به اهداف کلی این نهاد، با اطمینان می‌توان گفت که مهم‌ترین ابزار برقراری صلح و سازش بین طرفین دعوا در شورای حل اختلاف «زبان» است. زبان همان‌گونه که این نوشتار اهتمام بر نمایاندن آن دارد، تنها برای اطلاع‌دادن به‌کار نمی‌رود؛ بلکه در بررسی آن مسأله کاری مطرح است که جملات می‌توانند انجام دهند» (Safavi, 2004). درحقیقت، دانستن یک زبان تنها شناخت واژه‌ها و دستور آن زبان نیست؛ بلکه دانستن اینکه با مخاطب بر اساس سن، جنس، جایگاه اجتماعی و... چگونه باید سخن گفت، در برقراری ارتباط زبانی سهم به‌سزایی دارد.

1. Forensic Linguistic

2. Speech Act Theory

3. Austin, J.

4. Searle, J.

جستار کیفی حاضر با روش توصیفی-تحلیلی و با رویکرد تحلیل گفتمان، به بررسی متن ۲۰ جلسه ضبط و ثبت شده به‌عنوان داده‌های تشکیل‌دهنده پیکره زبانی می‌پردازد که به روش مشاهده مستقیم از چهار شعبه شورای حل اختلاف اسلام‌آباد غرب گردآوری شده‌است. متون پرونده‌های موردبررسی به‌صورت تصادفی و در بازه زمانی سه‌ماهه، از آغاز تیر الی پایان شهریور ۱۴۰۲ انتخاب شده‌اند. حضور در جلسات شورا و ضبط گفت‌وگوها با مجوز دادگستری استان انجام شد. ثبت داده‌ها بعد از دو بار گوش‌دادن جهت افزایش روایی پژوهش، بر اساس مقوله‌های پنج‌گانه کنش‌های گفتاری سرل (۱۹۶۹) در MAXQDA 2020 کدگذاری شد.

پژوهش حاضر در پی پاسخ‌گویی به این سؤال‌هاست که باتوجه‌به نظریه کنش‌های گفتاری، چه انواعی از این کنش‌ها و با چه بسامدی در گفت‌وگوهای شورای حل اختلاف کاربرد دارند؟ بازیابی کنش‌های گفتاری غیرمستقیم "فعل مضمون در سخن" در این گفتارها چه نتایجی در پی دارد؟

با اینکه تحقیقات فراوانی بر اساس نظریه کنش گفتاری و کاربرد آن در حوزه‌های مختلف ادبی و دینی انجام شده، تاکنون پژوهشگران زبان‌شناسی یا حقوق طبق نظریه مذکور، گفتمان «زبان»ی شورای حل اختلاف را بررسی نکرده‌اند؛ بنابراین ضروری می‌نماید برای درک صحیح این گفتمان، از سطح آن فراتر رفته و بافت موقعیت و تأثیر فعل مضمون در سخن را در آن واکاوی کرد.

پیشینه پژوهش

آقاگل‌زاده (۱۳۹۱) در مقاله «زبان‌شناسی حقوقی، نظری و کاربردی» برای نخستین‌بار به تشریح زبان‌شناسی حقوقی پرداخته‌است که رویکردی نوین در زبان‌شناسی کاربردی قلمداد می‌گردد. در این پژوهش از کاربرد حوزه‌های مختلف زبان‌شناسی در امور حقوقی و قضایی مردم و حتی پلیس بحث می‌شود (Aghagolzadeh, 2012). در پژوهشی دیگر آقاگل‌زاده و زائری (۱۳۹۴) با عنوان «توصیف و تحلیل شیوه‌های کلامی و غیرکلامی متهمان جهت اقناع در دادگاه‌های علنی ایران: تحلیل گفتمان دادگاه کیفری: زبان‌شناسی حقوقی» گفتار و رفتار متهمان در دادگستری‌ها را تحلیل و دریافته‌اند که برای اقناع قاضی، برانگیختن احساسات وی بیشترین تأثیر را دارد (Aghagolzadeh & Zaeri, 2015). کولتارد و همکاران (۲۰۱۷) پژوهشی با عنوان «درآمدی بر زبان‌شناسی حقوقی-زبان به‌مثابه مدرک (در حال ترجمه)» انجام داده‌اند که بر اساس آن، زبان‌شناسان حقوقی نه‌تنها مانع شرح و ترسیم تجربه بنیادین نمی‌شوند؛ بلکه می‌کوشند در آن تغییر و تحول ایجادکنند. آن‌ها با انتقاد از زبان قضایی در مجله‌های حقوقی، کار با افسران برای افزایش درک آن‌ها از گفت‌وگوی تخصصی، به هدف خود دست‌یافته‌اند (Coulthard et al., 2017). پژوهشی دیگر با عنوان «تحلیل گفتمان حقوقی، واکاوی نقش کارگفت در بافت حقوقی» توسط عسگری و رحیمی (۱۳۹۲) انجام شده‌است که در آن دادنامه حقوقی صادره از یکی از شعب دیوان عالی کشور به‌عنوان پیکره انتخاب و براساس نظریه کارگفت بررسی شده‌است. مطابق این پژوهش، تراکم بالای کارگفت‌های توصیفی و اعلامی اهمیت و تأثیر آن را در بافت حقوقی (دادنامه) نشان می‌دهد، همچنین هر دادنامه حقوقی، یک کنش کاربردی-اعلامی در سطح کلان گفتمان حقوقی به‌شمار می‌آید (Asgari & Rahimi, 2013). بدخشان و همکاران (۱۳۹۴) در مقاله «تحلیل نقش کاربردشناختی نظریه کنش‌های گفتاری آستین و سرل در متن بازرسی» یکی از متن‌های بازرسی فرد متهم به قتل در کرمانشاه را به‌عنوان پیکره زبانی در نظر گرفته، با بهره‌گیری از نظریه مذکور بررسی کرده‌اند. این دو پژوهش جزو اندک جستارهایی‌اند که در حوزه زبان‌شناسی حقوقی و بر اساس نظریه کنش گفتاری انجام شده‌اند (Badakhshan et al., 2015). لذا، پژوهش پیش‌رو با رویکرد زبان‌شناسی حقوقی و براساس نظریه کنش‌های گفتاری صورت‌گرفته‌است که از لحاظ مبانی نظری با موارد نام‌برده شباهت داشته؛ اما در بستر متفاوتی به‌انجام رسیده‌است.

مبانی نظری پژوهش

فلسفه زبان شاخه‌ای از فلسفه است که جنبه‌های عام و کلی زبان را توصیف و تبیین می‌کند. «این جنبه‌های عام و کلی به زبان خاصی اختصاص ندارند، بلکه نسبت به هر زبانی صادق‌اند» (Searle, 2006). از دیگر مباحث مطرح در فلسفه زبان، کاربردشناسی^۱ است که یول (۱۳۸۳) آن را مطالعه ارتباط میان صورت‌های زبانی و کاربران آن‌ها می‌داند. کاربردشناسی در دهه هفتاد قرن بیستم توسط فیلسوفان زبان‌شناس دانشگاه آکسفورد از جمله آستین و سرل گسترش یافت. «موضوع بحث کاربردشناسی معانی خاصی است که مشارکان گفتمان بنا به دانش زمینه‌ای خود و تفسیرشان از بافت متن، به اجزای تشکیل دهنده متن نسبت می‌دهند» (Aghagolzadeh, 2013) و از نظریه‌های مطرح در آن نظریه کنش‌گفتاری است. مباحث اولیه این نظریه توسط آستین (۱۹۶۲) در کتاب «چگونه با کلمات می‌توان کاری انجام داد» آمده‌است. از نظر آستین «فعل در بسیاری از موارد فقط اطلاعات مبادله نمی‌کند؛ بلکه با خود عمل معادل است؛ یعنی گفتن با کنش برابر است» (Austin, 1970). به عبارتی، مقدار قابل توجهی از گفتار و نوشتار ما یا عین عمل‌اند یا بخشی از آن. این نوع از گفتار یا نوشتار حاوی افعالی هستند که آن‌ها را فعل کنشی می‌نامند (Aghagolzadeh, 2013). برای مثال وقتی فردی می‌گوید: "تسلیم می‌گویم" عمل تسلیم گفتن درست موقعی به وقوع می‌پیوندد که فرد این جمله را به زبان جاری می‌کند. در این حالت، گفتن برابر کنش است و گوینده با ادای کلمات، کاری را انجام می‌دهد. به اعتقاد آستین «در تولید یک کارگفت تا انجام کاری از سوی مخاطب، کنش بیانی،^۳ کنش منظوری^۴ و کنش پس‌بیانی^۵ تحقق می‌یابند که به ترتیب به تولید یک پاره‌گفتار بیانی، تأثیر این پاره‌گفتار بر مخاطب، و عملی منتهی می‌شود که مخاطب انجام می‌دهد» (Safavi, 2004). آستین محور تحلیل زبانی در نظریه خود را کنش منظوری یا غیربیانی می‌داند. وی کنش‌های منظوری را قراردادی دانسته، معتقد است «برای انجام این کنش‌ها باید صورت معینی از واژه‌ها را به‌کاربرد» (Chiman, 2005). علاوه بر آستین زبان‌شناسان دیگری نیز به بررسی کنش‌های گفتاری پرداختند که از میان آن‌ها سرل (۱۹۶۹) نسبت به دیگران در تکمیل نظریه آستین موفق‌تر ظاهر شد و دسته‌بندی پنج‌گانه‌ای از کنش‌های گفتاری آستین ارائه کرد (Searle, 1969, 1975) که امروزه در تحلیل ارتباط متن و بافت، محور تحقیقات فراوانی در حوزه کاربردشناسی است.

طبقه‌بندی سرل از کنش‌های گفتاری

جان سرل استاد مشهور فلسفه زبان، به‌مثابه استادش-آستین- اعتقاد دارد که زبان نه‌تنها پدیده‌ها را توصیف می‌کند، بلکه در اجرای آن نیز نقش دارد. بدین معنا که «انسان از زبان برای در خواست انجام کار(نقش امری)، بستن پیمان(نقش تعهدی)، بیان تشکر(نقش عاطفی) و غیره بهره می‌گیرد» (Hosseini & Hassanpour, 2012). سرل دسته‌بندی سه‌گانه آستین از کنش‌های گفتاری را پذیرفته، محور تحلیل زبانی را کنش‌های منظوری در نظر گرفت. هرچند او برای بسط نظرات آستین کوشید، اما میان وی و استادش اختلاف‌نظرهایی نظیر تأثیر کنش‌های گفتاری به‌وجود آمد. آستین بر این اعتقاد بود که همه تأثیرات کنش‌ها به گوینده برمی‌گردد؛ اما سرل تمام این کنش‌ها و تأثیراتشان را حاصل تفسیر و تحلیل مخاطب می‌داند. باین‌حال «اگر این کنش‌ها از گوینده(نویسنده‌ای) صاحب قدرت و مقام صادر نشود، نمی‌توان انتظار داشت که عاملیت و تأثیر را به مخاطب منتقل کند؛ لذا قدرت گوینده زمینه تکثیر و عاملیت زبان را فراهم می‌سازد» (Mulla Ebrahimi &

1. Pragmatics

2. How to Do Things with Words?

3. Locutionary

4. Illocutionary

5. Prelocutionary

(Sepehr, 2022). وی «برخلاف استادش آستین، تمایز میان پاره‌گفتارهای کنشی و غیرکنشی را نمی‌پذیرد و همه پاره‌گفتارها را کنشی تعبیر می‌کند، حتی مواردی را که حالت و وضعیت امور را توصیف می‌کنند» (Brinton, 2000).

به اعتقاد سرل در سخن گوینده با اظهار هر جمله‌ای دست‌کم سه نوع فعل متمایز پدید می‌آید:

الف: ادای واژه‌ها = فعل تلفظی

ب: حکایت و محل = فعل قضیه‌ای

ج: بار محتوایی جمله (مانند اخبار، توصیف، امر و نهی و...) = فعل مضمون در سخن^۱ (Searle, 2006). وقتی کسی بگوید: "فردا هوا بارانی است" در مرحله نخست واژه‌هایی را به زبان فارسی ادا کرده‌است، بنابراین گفتاری را انجام داده‌است. دوم اینکه از "هوا" حکایت کرده‌است و محمول "بارانی" را به آن نسبت داده و در مرحله سوم گوینده با گفتن این جمله از بارانی بودن هوا اخبار کرده‌است، یعنی با بیان این جمله، عمل اظهار را انجام داده‌است و فعل مضمون در سخن آن بیان خبر است. در حقیقت ایده اصلی در نظریه کنش گفتاری جان سرل فعل مضمون در سخن یا همان معنای ضمنی است که دستیابی به آن از طریق بافت امکان‌پذیر است (Cook, 2009) و "بافت" در تعیین آن نیز نقش مهمی دارد. بافت موقعیت^۲ می‌تواند «موقعیتی را پدید آورد که مفهوم یک جمله جدای از معنی صریح خود، معنی ضمنی بیابد و این معنی ضمنی تنها در آن بافت قابل درک باشد» (Safavi, 2004). نقش بافت موقعیتی صرفاً به تعیین یا تشخیص مفهوم جملات محدود نمی‌شود، بلکه «می‌تواند به واکنشی از سوی مخاطب در باور یک مطلب یا انجام یک کار یا پاسخ‌دادن به پرسشی و جز آن منجر گردد» (Safavi, 2004). برای نمونه در همان پاره‌گفتار "فردا هوا بارانی است" در بافت‌های متفاوت معانی ضمنی متفاوتی پدید خواهد آمد. در یک بافت ممکن است به معنی ماندن در خانه باشد؛ در بافت دیگر شتاب برای انجام کاری تا قبل از شروع بارندگی را به یاد آورد؛ اگر کشاورزی این جمله را ادا کند، پیام شادمانی خواهد داشت.

سرل با در نظر گرفتن معیارهایی، کنش‌های گفتاری را به پنج نوع تقسیم می‌کند (Searle, 1975).

کنش اظهاری:^۳ «ماهیت این کنش گفتاری اعتقاد گوینده به حقیقت (درستی یا نادرستی) گزاره و شدت این اعتقاد را شامل می‌شود» (Searle, 1975). در کنش گفتاری اظهاری، فرد آنچه را که در جهان خارج اتفاق افتاده بیان می‌کند و نظر خود را در تأیید و یا رد آن موضوع ابراز می‌دارد. «نمونه بارز این دسته از کارگفت‌ها را می‌توان در پاره‌گفتارهایی مشاهده کرد که بر نکته‌ای تأکید می‌کنند یا به نتیجه‌گیری از نکته‌ای می‌پردازند» (Safavi, 2004). از افعالی چون اظهار کردن، تأیید کردن، بیان کردن، توصیف کردن، تفسیر کردن، شرح دادن، نتیجه‌گیری کردن و... در بردارنده این کنش گفتاری هستند.

کنش ترغیبی:^۴ «ماهیت این کنش گفتاری تلاش گوینده برای ترغیب شنونده به انجام کاری است. نمونه بارز کارگفت‌های ترغیبی را می‌توان در پرسش‌ها یا درخواست‌ها مشاهده کرد» (Searle, 1975). افعالی چون درخواست کردن، توصیه کردن، تشویق کردن و سؤال کردن، تذکر دادن، برحذر داشتن و... نمونه‌هایی از این کنش گفتاری‌اند.

کنش عاطفی:^۵ «ماهیت این کنش ابراز حالت روانی - احساسی گوینده نسبت به محتوای گزاره‌است. در این دسته از کارگفت‌ها گوینده احساس خود را از طریق قدردانی، عذرخواهی، تبریک، ناسزاگویی و جز آن بیان می‌کند» (Searle, 1975).

1. Illocutionary Act

2. Context of Situation

3 Representative

4 Directive

5 Expressive

کنش تعهدی^۱ ماهیت این کارگفت الزام شنونده به انجام کاری در آینده و میزان التزام به آن را شامل می‌شود. به عبارتی، گوینده با قول‌دادن، سوگند خوردن و... متعهد می‌شود که در آینده کاری انجام دهد» (Searle, 1975).

کنش اعلامی^۲: «ماهیت این کنش گفتاری، اعلام انجام موفقیت‌آمیز یک کنش در گزاره را شامل می‌شود. البته تحقق این کنش، وابسته به توان گوینده در برقراری ارتباط بین محتوای گزاره و واقعیت خارجی است» (Searle, 1975). فعل‌هایی چون انتخاب کردن، آغاز کردن، پایان دادن، نام‌گذاری کردن، اعلام کردن و... جزو این کنش‌اند.

توجه به بافت، در تشخیص کاربرد مستقیم و غیرمستقیم کنش‌های گفتاری نیز بسیار مؤثر است. در تعریف این دو کاربرد می‌توان گفت، «هرگاه بین ساختار جمله و کارکرد آن رابطه مستقیم وجود داشته باشد، آن را کنش گفتاری مستقیم و هرگاه ارتباط بین ساختار و کارکرد آن غیرمستقیم باشد، آن را کنش گفتاری غیرمستقیم می‌نامند» (Chiman, 2005). برای مثال تأثیر پاره‌گفتار امری "خفه شو" به‌عنوان یک کنش گفتاری ترغیبی، ایجاد واکنش در مخاطب برای خفه شدن نیست؛ بلکه کنش عاطفی در قالب سرزنش و توبیخ است. «درک یک کارگفت (کنش گفتاری) مستقیم از طریق یک کارگفت غیرمستقیم، مبتنی بر بافت موقعیتی است و دانش درون‌زبانی قابل‌تعیین نمی‌باشد» (Safavi, 2004).

بافت موقعیتی در شورای حل اختلاف

شورای حل اختلاف در کنار مراجع قضایی نقش مؤثری در کاهش پرونده‌ها و همچنین ایجاد فرهنگ سازش در جامعه ایفا می‌کند. دعاوی که قابلیت طرح در شورا را دارند، شامل امور مدنی و حقوقی، جرائم قابل‌گذشت، اختلافات خانوادگی، پرونده‌هایی با موضوع تخلیه اماکن استیجاری، تأمین دلیل، حصر وراثت، تحریر ترکه و همچنین پرونده‌هایی است که از پیچیدگی کمتری برخوردار باشند. هر پرونده تا رسیدن به سازش ممکن است یک تا سه جلسه زمان ببرد. زمان تقریبی هر جلسه ۱۵ تا ۳۰ دقیقه است. به‌طور معمول بدون در نظر گرفتن موضوع و محتوای پرونده‌ها، روند برگزاری جلسات یکسان است و این حق برای طرفین در تمام دعاوی فراهم شده تا نظریات خود را اظهار کنند. آنها اغلب در طرح ایرادات و دفاعیات کلام یکدیگر را قطع کرده یا اجازه صحبت به طرف خود نمی‌دهند. در اکثر موارد طرح خواسته‌ها با صدای بلند و در حالت عصبانیت صورت گرفته، گاه موجب اختلال در نظم جلسه می‌شود. در چنین موقعیتی اعضای شورای حل اختلاف که وظیفه برقراری سازش را برعهده دارند، هوشیارانه و با به‌کارگیری ابزارهای زبانی خاص و گفتگوی مسالمت‌آمیز جلسه را پیش می‌برند.

روش گردآوری داده‌ها

داده‌های پژوهش حاضر از تعداد بیست جلسه (فقره دعوی) از چهار شعبه شورای حل اختلاف اسلام‌آباد غرب به‌عنوان پیکره زبانی گردآوری شدند که موضوع آنها خلاصه‌وار ذکر می‌گردد. **جلسه اول:** درخواست طلاق از طرف زن. **جلسه دوم:** مزاحمت به همسر شاکی. **جلسه سوم:** درخواست طلب؛ خواهان مبلغی به خواننده داده تا وی را در اداره‌ای مشغول به کار کند. این قول عملی نشده و مبلغ بازگردانده نشده است. **جلسه چهارم:** داماد در مغازه پدرزن مشغول به کار است که او اجازه تخلیه را به داماد خود نمی‌دهد. **جلسه پنجم:** نزاع دسته‌جمعی؛ دو خانواده به‌خاطر قهر عروس با یکدیگر درگیر شده‌اند. **جلسه ششم:** دو برادر بر سر یک قطعه زمین که بر اساس رأی دادگاه باید نوبتی کشت شود، اختلاف پیدا کرده‌اند. **جلسه هفتم:** تنظیم سند: یکی از دو شریک در یک واحد آپارتمان، بدون اطلاع شریک، سهم خود را فروخته است. **جلسه هشتم:** مطالبه وجه؛ خواهان برای طرف مقابل خدمات ایزوگام انجام داد، اما حق‌الزحمه پرداخت نشده است. **جلسه نهم:** طلاق توافقی؛ طرفین

¹ Commissive

² Declarative

با مبلغی توافق کرده‌اند، اما مرد از پرداخت آن امتناع می‌کند. **جلسه دهم:** درخواست طلاق؛ مرد به‌خاطر کوچک بودن بچه‌ها درخواست طلاق از سوی زن را نمی‌پذیرد. **جلسه یازدهم:** درخواست فسخ قرارداد اجاره توسط مؤجر. **جلسه دوازدهم:** درخواست تعدیل مهریه. **جلسه سیزدهم:** ضرب و جرح؛ زن به‌خاطر کتک‌کاری شوهر از وی شکایت دارد. **جلسه چهاردهم:** درخواست مهریه. **جلسه پانزدهم:** طلب مهریه؛ زن به‌خاطر اینکه فرزند پسر ندارد و شوهرش وی را آزار می‌دهد، طلب مهریه و نفقه کرده‌است. **جلسه شانزدهم:** زن و شوهر در روند طلاق هستند اما مرد اجازه ملاقات فرزند را به زن نمی‌دهد. **جلسه هفدهم:** طلاق توافقی. **جلسه هجدهم:** درخواست نفقه. **جلسه نوزدهم:** ایجاد مزاحمت در نوبت آب زمین زراعی. **جلسه بیستم:** شکایت به‌خاطر تهمت سرقت.

بحث و بررسی

کنش‌های گفتاری مستقیم سرل در گفتمان اعضای شورای حل اختلاف

باتوجه به اینکه شرح مفصل کنش‌های گفتاری بیست جلسه خارج از مجال این مقاله است، صرفاً به تحلیل تعدادی از پاره‌گفتارهای جلسات - تحت عنوان گزاره‌ها- بسنده می‌شود. واحد تحلیل در این جستار، مضمون در پاره‌گفتار در نظر گرفته شده‌است و شاید یک کلمه، یک جمله، یا چند بند و جمله باشد که شامل یک کنش گفتاری مستقیم یا غیرمستقیم است.

۱. کنش گفتاری اظهاری

در این نوع کنش، فرد نظر خود را نسبت به‌درستی آنچه در جهان خارج روی داده، اظهار می‌کند.

گزاره ۱ (جلسه اول): هرچی به سرت آمده مقصر خودت بودی؛ چون هرکس مسؤولیت کار خودش رو داره.

کنش گفتاری در این پاره‌گفتارها اظهاری است. در اولین پاره‌گفتار "هرچی ... بودی"، گوینده عقیده خود را نسبت به مقصر واقعی به‌طور صریح بیان می‌کند تا شاید نظر مرد درمورد مقصربودن زن، تغییر کند و با بیان پاره‌گفتار اظهاری "چون هرکس ... رو داره" تأکید دارد که مسؤولیت هر مشکلی با خود اوست نه زن. گوینده از کنش گفتاری اظهاری مستقیم در این قسمت برای متقاعد ساختن مخاطب بهره می‌جوید.

گزاره ۲ (جلسه دوم): من نه شما رو می‌شناسم نه خانمت و حتی اگه بیاد اینجا بشینه نمی‌شناسمش. من فقط گزارش کلانتری رو می‌خونم. در این نمونه گوینده با پاره‌گفتار اظهاری "من نه ... خانمت"، بی‌طرفی خود را نسبت به طرفین نشان می‌دهد تا مخاطب (شوهر خانم) بدون جبهه‌گیری، گفته وی را بپذیرد و شاید از درخواست طلاق خود صرف‌نظر کند. همچنین در ادامه با ذکر پاره‌گفتار دیگری با همان پیام "حتی اگه ... نمی‌شناسمش" و با تصریح بر اتکای گفتارش بر گزارش کلانتری و عدم جانب‌داری از زن، بر بی‌طرفی خود تأکید می‌کند. تأکید گوینده بر بی‌طرفی، گویای آن است که می‌داند کلامش بر مخاطب تأثیر بیشتری خواهد گذاشت.

گزاره ۳ (جلسه چهارم): سوره مائده و سوره نساء بحث از ازدواجه اما سوره بعدی سوره طلاقه، یعنی اگه زوجین نتانن با هم زندگی کنن، طلاق یه چیز شرعی و قانونی و عرفیه ولی اینجا سعی می‌کنیم بین زوجین صلح برقرار کنیم.

در این پاره‌گفتارها گوینده از مفاهیم متقابل "ازدواج" و "طلاق" برای تأثیرگذاری بیشتر بهره می‌برد تا فضای مناسب برای تصمیم‌گیری درست ایجاد شود. زمانی که موقعیت طلاق و ازدواج در قالب کنش گفتاری اظهاری در مقابل هم قرار می‌گیرند، گوینده زیرکانه از این حالت استفاده جسته تا مقصود خود را رسا کند و مخاطب را به تفکر وادارد. در پاره‌گفتار بعدی "اگه زوجین ... صلح برقرار کنیم"، وی به‌صراحت موضع خود را نسبت به این دو موقعیت به‌صورت نتیجه‌گیری، تبیین می‌کند که همانا جانب‌داری از سازش بین زوجین است.

گزاره ۴ (جلسه ششم): این پرونده رأی خورده و تجدیدنظر هم رفته؛ اما شما طبق یہ قرارداد شکایت کردی؛ ولی دادگاه قرارداد رو نپذیرفته پس شما هرچی معاوضه کردی سر جای خودش باقیه.

در این پاره‌گفتار پیام از طریق اظهار شرایط موجود در قالب تفسیر و توضیح منتقل می‌شود. بدین ترتیب که گوینده در مورد وضعیت پرونده اختلاف دو برادر بر سر زمین، به تفسیر و توصیف می‌پردازد تا مخاطبین از موقعیتی که پرونده در آن قرار دارد آگاه شوند؛ بنابراین اگر مخاطب اصلی که همان برادر شاکی است دریابد که پرونده‌اش در مرحله تجدیدنظر امکان موفقیت بسیار کمی دارد، به احتمال از شکایت خود صرف نظر می‌کند.

گزاره ۵ (جلسه نوزدهم): درست میگه. چون زمین خودشه شما نمی‌تانی بگی به کی اجاره بده، مگه اینکه مشکلی ایجاد کرده باشه.

گوینده به کمک پاره‌گفتار اظهاری "درست میگه" با صراحت به تأیید سخن دیگری می‌پردازد و برای درستی سخن وی با پاره‌گفتار بعدی "چون زمین ... بده" دلیل آورده و با اظهار آن می‌خواهد متشاککی را متقاعد کند و در ادامه با بیان "مگه /اینکه ... باشه" به وی برای همکاری سر چاه آب این اطمینان را می‌دهد که در صورت ایجاد مشکل همچنان امکان شکایت وجود خواهد داشت.

گزاره ۶ (جلسه دوازدهم): من الان میگم آقای عسگری استردادش کنه ولی استرداد به این معنی نیست که رضایت دادین طلاق صورت نگیره، بلکه استرداد یعنی اینکه بعداً خواستی ادامهش بدی.

با بیان این سه پاره‌گفتار که دربردارنده کنش گفتاری اظهاری مستقیم‌اند، گوینده به تفسیر و تصریح مفهوم "استرداد" می‌پردازد تا شاید از آن‌ها فرصتی برای انصراف از درخواست طلاق بگیرد. در این کنش‌های اظهاری واژه کلیدی "استرداد" سه بار تکرار شده که گویای نقش آن در حل اختلاف دارد.

۲. کنش گفتاری ترغیبی

همان‌طور که قبلاً اشاره شد به آن دسته از کنش‌های گفتاری که مخاطب را به انجام کاری یا بازداشتن از آن ترغیب و تشویق می‌کند، کنش گفتاری ترغیبی می‌گویند.

گزاره ۷ (جلسه ششم): بحثتان سر چیه؟ به خاطر چه آمدین اینجا؟

در این پاره‌گفتار ترغیبی در قالب استفهام، گوینده قصد دارد به‌طور مستقیم برای آغاز گفتگو از مخاطب اطلاعات کسب کند. وی امیدوار است با پرسیدن این دو سؤال سرخ‌های لازم را برای هدایت جلسه به سمت سازش به‌دست آورد.

گزاره ۸ (جلسه شانزدهم): آقای امیری، چرا نمی‌داری زنت بیاد سر بچه‌ات؟ چرا با هم زندگی نمی‌کنین؟

این پاره‌گفتارها در قالب کنش گفتاری ترغیبی قرار دارند که در ابتدا می‌کوشد توجه «آقای امیری» را به سخنانش جلب کند. پاره‌گفتار بعدی در قالب استفهام "چرا نمی‌داری ...؟" و "چرا با هم ...؟" می‌کوشد برای هدایت گفت وگو، از شوهر اطلاعات دریافت کند و به عامل اختلاف بین این زن و شوهر پی ببرد.

گزاره ۹ (جلسه هشتم): به جوری با هم کنار بیاین. شما از قدیم دوستین. درسته؟ شما یا به کم بهش تخفیف بده یا قبول کن قسطی پرداختش کنه.

گوینده در این نمونه با کنش گفتاری نخست که در قالب امر به‌کاررفته‌است مستقیماً و توصیه‌وار از طرفین می‌خواهد که با یکدیگر سازش کنند. سپس گوینده پاره‌گفتار "شما از ...؟" را بیان می‌کند که علی‌رغم ظاهر اظهاری، حاوی کنش گفتاری ترغیبی در قالب تذکر است. همچنین

پاره‌گفتار بعد "درسته؟" کنش گفتاری ترغیبی و در قالب استفهام تأکیدی است. گوینده با طرح این پرسش به دنبال دریافت پاسخ نیست، هرچند پاسخ آن مشخص و صرفاً برای تأکید به‌کاررفته‌است. فعل مضمون در این پاره‌گفتار (کنش گفتاری غیرمستقیم) به‌صورت کنش ترغیبی و در قالب تذکر نمود پیدا می‌کند و بدین‌وسیله گوینده قصد یادآوری دوستی آن‌ها را دارد تا به آنچه گفته شده و خواهد شد، بیندیشند. دوپاره گفتار ترغیبی دیگر "یه کم بهش تخفیف بده" و "یا قبول کن قسطی..." نیز در قالب توصیه به‌کار برده شده‌است.

گزاره ۱۰ (جلسه اول): یه کم حوصله داشته باشین. توی زندگی آدم باید صبر داشته باشه.

این دو جمله شامل کنش گفتاری ترغیبی‌اند که در قالب امر به‌کار رفته‌است. گوینده با این دو پاره‌گفتار، دو طرف را با صراحت به صبر و حوصله دعوت می‌کند. قرارگرفتن این دو پاره‌گفتار ترغیبی با مضمون "صبر" در کنار هم بر اهمیت آن می‌افزاید.

۳. کنش گفتاری عاطفی

کنش گفتاری عاطفی حالت روحی و روانی گوینده را نسبت به موضوع و شرایط خاصی نشان می‌دهد. از این کنش گفتاری برای بیان تبریک، سپاسگزاری، عذرخواهی، تمجید، تأسف، تحویف، سرزنش، دعا، تحقیر، تعجب و... بهره گرفته می‌شود.

گزاره ۱۱ (جلسه سوم): خدا خیرت بده! تو که مدرک ارشد حسابداری داری، چرا باید گول بخوری؟

در این مثال گوینده با ابراز پاره‌گفتار عاطفی دعایی، به‌طور غیرمستقیم می‌کوشد با ابراز تعجب خود از ساده‌بودن مخاطب، تا حدی وی را سرزنش کند که با داشتن تحصیلات بالا، باید عاقلانه‌تر عمل می‌کرد.

گزاره ۱۲ (جلسه پانزدهم): جهنم از هر دوشان! دو تا آدم بزرگن!

گوینده یک پاره‌گفتار عاطفی را در قالب نفرین ابراز می‌دارد که گویای عصبانیت وی از درگیری پیاپی میان زن و شوهر موردنظر است. مقصود گوینده در پاره‌گفتار اظهاری "دو تا..."، کنش عاطفی و غیرمستقیم سرزنش آنهاست.

گزاره ۱۳ (جلسه دوازدهم): خدای نکرده! نعوذبالله! جدا شین، می‌خواین چه کار کنین؟

در این مثال گوینده برای تأثیرگذاری بیشتر بر زن و شوهر دو پاره‌گفتار عاطفی "خدای نکرده" و "نعوذبالله" را در قالب دعا به‌کار می‌برد. وی با ابراز این دوپاره گفتار، هم‌زمان به طرفین هشدار می‌دهد و توجه آن‌ها را به آنچه خواهد گفت جلب می‌کند. قرارگرفتن این دو پاره‌گفتار در کنار هم برای تأکید بوده، بر اهمیت موضوع افزوده‌است. کنش ترغیبی "جدا شین، می‌خواین چه کار کنین" که در قالب استفهام به‌کاررفته پاسخی در پی نخواهد داشت؛ بلکه غیرمستقیم به‌قصد تذکر به‌کار رفته‌است تا هر دو طرف متوجه مشکلات تبعی پس از طلاق باشند.

گزاره ۱۴ (جلسه نوزدهم): به‌به! دخترعموته

در این دو جمله ابتدا یک پاره‌گفتار عاطفی "به‌به" از نوع تحسین و خوشحالی ابراز می‌شود که در این مورد نیز گوینده در پی جلب‌توجه مخاطب است و سپس با پاره‌گفتار اظهاری "دخترعموته" به‌طور غیرمستقیم منظور خود را در قالب کنش عاطفی از نوع تذکر قرار می‌دهد و اهمیت رابطه خانوادگی بین زن و شوهر را به آن‌ها یادآوری می‌کند.

۴. کنش‌های گفتاری اعلامی

کنش‌های گفتاری اعلامی شامل کنش‌هایی است که به‌محض بیان آن‌ها در جهان بیرون تغییراتی واقعی ایجاد می‌شود. به‌عبارت‌دیگر با استفاده از این کنش گفتاری وضعیتی تازه اعلام می‌گردد.

گزاره ۱۵ (جلسه دوم): بر اساس مستندات و مدارک پرونده الان مجرم هستی.

در این پاره‌گفتار مجرم بودن مخاطب براساس مدارک به‌خاطر ایجاد مزاحمت ناموسی به‌طور مستقیم اعلام می‌شود. گوینده فرض می‌کند مخاطب کم‌سن‌وسال از جرم خود بی‌اطلاع بوده‌است و با استناد به مدارک و شواهد، گفته خود را استوار می‌کند.

گزاره ۱۶ (جلسه چهاردهم): من خانم شما را بر اساس اخلاق و قانون محدود می‌کنم.

در این پاره‌گفتار، محدودیت زن مخاطب از حیث کسب اجازه شوهر براساس قانون و اخلاق ابراز می‌شود. این پاره‌گفتار قادر است تغییری در رفتار زوجه به‌وجود آورد. از آنجایی که گوینده دارای نقش نهادی اجتماعی یعنی عضویت در شورای حل‌اختلاف است و آنچه اعلام می‌دارد از قانون گرفته شده، کلامش قابلیت پذیرش از جانب زوجین را دارد.

گزاره ۱۷ (جلسه چهارم): آگه اسباب کار دامادت توی ملک شماست و اجازه ندی ببره، هر روزی که ضرر کنه آقای جلیلیان باید خسارت بدی.

گوینده از این پاره‌گفتار اعلامی بهره می‌جوید تا نتیجه کار متشاکمی را که ممانعت از تخلیه مغازه است با صراحت به وی اظهار کند. در این پاره‌گفتار "باید" واژه‌ای کلیدی است که می‌تواند بر قدرت اعلام پاره‌گفتار افزوده، مخاطب را به تحذیر وادارد.

۵. کنش گفتاری تعهدی

گفتارهایی که در برگیرنده تعهدها، وعده‌ها و تهدیدها هستند، جزو کنش‌های تعهدی‌اند.

گزاره ۱۸ (جلسه دوم): به جان خودم حبس روی شانتته.

در این گزاره گوینده برای انتقال مقصود خود، کنش گفتاری تعهدی را انتخاب می‌کند و با ابراز قسم می‌کوشد مخاطب را به نتیجه نامطلوب ایجاد مزاحمت ناموسی هشدار دهد و یادآور می‌شود که نتیجه این رفتار به زندان است.

گزاره ۱۹ (جلسه دوم): به جان امام حسین حبس داره.

در این پاره‌گفتار نیز مانند مثال قبل گوینده با سوگند، قصد دارد به‌طور صریح اهمیت موضوع را نشان داده، به مخاطب اطمینان دهد که نتیجه کار وی حبس خواهد بود.

گزاره ۲۰ (جلسه نهم): به‌خدا زندگی که پاشیده بشه پول آبادش نمی‌کنه.

در این پاره‌گفتار تعهدی، گوینده برای حصول اطمینان از تأثیر سخنانش بر مخاطب "به خدا" سوگند می‌خورد که پول نمی‌تواند زندگی ازهم‌پاشیده را ترمیم کند. این سوگند تعهد گوینده را برای اثبات درستی سخنان اش تضمین می‌کند. و افزون بر تأکید به اهمیت موضوع، نوعی هشدار برای مخاطب است.

کنش گفتاری غیرمستقیم در گفتمان اعضای شورا

بر اساس آنچه از بررسی کنش‌های گفتاری اعضای شورای حل‌اختلاف به‌دست آمد، می‌توان گفت که عمده کنش‌های گفتاری مستقیم، از نوع کنش اظهاری است. اما اساس مطالعه ابزارهای زبانی جهت برقراری صلح و سازش در شورای حل‌اختلاف باتوجه به نظریه گفتاری سرل، بررسی کنش‌های گفتاری غیرمستقیم یا همان فعل مضمون در سخن است. با توجه به اهمیت "بافت" در دستیابی به فعل مضمون در سخن، اعضای شورا برای حصول سازش بین طرفین باید مخاطب‌سنجی و موقعیت‌سنجی درستی داشته باشند، زیرا مراجعان آن‌ها درگیری حقوقی داشته، برای حل آن قانون را مرجع قرار داده‌اند و اعتماد و اطمینان نسبت به آن مراجع در آن‌ها وجود دارد. آن‌ها ممکن است از عواقب کار

خود ناآگاه بوده باشند و اعضای شورا موظفند با هشدار و یادآوری آن، طرفین را به‌طور مستقیم و غیرمستقیم به حل‌وفصل مشکل خود ترغیب کنند. بر این اساس، اعضای شورای حل اختلاف برای هشداردادن به مخاطب، محور اصلی سخنان خود را تنبیه، تذکر، تحویف، توییح، توصیه و... قرار می‌دهند. بدین ترتیب محور اصلی این مبحث در قالب کنش گفتاری ترغیبی و عاطفی در شکل غیرمستقیم آن نمود پیدا می‌کند.

گزاره ۲۱ (جلسه هفدهم): بابا، زندگی خطا داره، خلاف داره، خوب داره، شاید کمی خسته بشین، اما واقعاً حیفه.

این نمونه با پاره‌گفتار ترغیبی "بابا" در قالب خطاب شروع می‌شود که برای جلب توجه مخاطبین است. سپس، کنش‌های اظهاری "زندگی خطا داره" و... بیان می‌شود که معنای صریح آن بیان خوبی و بدی زندگی است؛ اما غرض اصلی گوینده از ابراز آن‌ها کنش گفتاری غیرمستقیم عاطفی از نوع تذکر است. بروز این پاره‌گفتارهای اظهاری در لایه غیرمستقیم نشان از اهمیت موضوع دارد و اینکه منظور گوینده تأکید بر حفظ زندگی مشترک با وجود مشکلات موجود است.

گزاره ۲۲ (جلسه سوم): شما با هم دوستین و چشمتان توی چشم همه، چرا باید کارتان به اینجاها بکشه؟

در این مثال پاره‌گفتارهای اول اظهاری هستند؛ اما منظور گوینده از "شما..." و "چشمتان..." مفهوم ظاهری جملات نیست. بلکه این دوپاره گفتار اظهاری به‌طور غیرمستقیم حاوی کنش عاطفی بوده که در قالب سرزنش قرار گرفته است. گوینده ضمن سرزنش غیرمستقیم، یک کنش ترغیبی استفهامی پرسشی "چرا باید کارتان..." را بیان می‌کند که در پی شنیدن پاسخ آن نیست، بلکه قصد وی در فعل مضمون در سخن نهفته و هدف از طرح آن سرزنش و توییح است.

گزاره ۲۳ (جلسه هفدهم): سرکار عقل داری! درک داری! فهم داری! اگه شوهر یک روز نباشه، می‌خوای چیکار کنی؟

گوینده در این نمونه با سه پاره‌گفتار اظهاری، قصد اظهارنظر درمورد فهم و شعور مخاطب را ندارد؛ بلکه منظور خود را جهت سرزنش به‌طور غیرمستقیم در قالب کنش گفتاری عاطفی قرار می‌دهد. پاره‌گفتار بعد "اگه شوهر..." ظاهراً پاره‌گفتار ترغیبی در قالب استفهام است؛ اما به‌واقع گوینده با طرح این سؤال منتظر پاسخ از جانب مخاطب نیست، بلکه فعل مضمون در سخن در این پاره‌گفتار، کنش گفتاری ترغیبی از نوع هشدار است و به‌طور غیرمستقیم وی را وادار به تفکر می‌کند تا شاید از درخواست طلاق خود انصراف دهد.

گزاره ۲۴ (جلسه دوازدهم): شما از خانواده‌های اصیل شآباد هستین، خانواده خوب و درجه یک هستین هر دو. خانم شوهرت آقای باوندپور

قاچاقچی؟ معتاده؟ کلاهبرداره؟ چرا می‌خوای طلاق بگیری؟

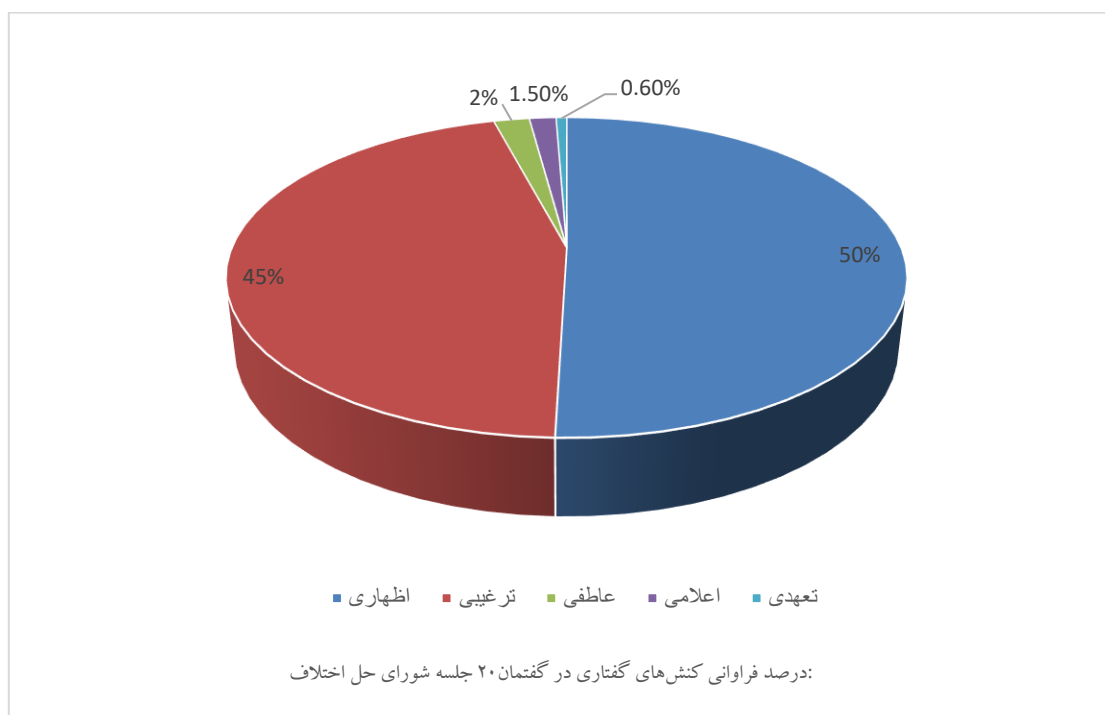
در این مثال گوینده ترجیح می‌دهد برای انتقال بهتر پیام خود به زوج متقاضی طلاق و تأثیرگذاری بیشتر، پاره‌گفتارها را در قالب کنش گفتاری غیرمستقیم قرار دهد. "شما از خانواده‌های اصیل... و" "خانواده خوب و..." به‌ظاهر کنش گفتاری اظهاری‌اند؛ اما به‌صورت غیرمستقیم در قالب کنش عاطفی برای تمجید به‌کار می‌روند. پاره‌گفتار "خانم" کنش گفتاری ترغیبی و در قالب خطاب برای جلب توجه استعمال می‌شود. همچنین پاره‌گفتارهای "شوهرت آقای باوندپور قاچاقچی" و "معتاده" و "کلاهبرداره"، کنش‌های گفتاری ترغیبی در قالب استفهام انکاری هستند که به‌طور غیرمستقیم برای تذکر دادن به‌کاررفته‌اند. تکرار این پاره‌گفتارها با یک مضمون نشان از اهمیتی دارد که گوینده برای پیام موردنظر قائل است و برای تأکید و تأیید استفاده کرده است. به دنبال آن "چرا می‌خوای طلاق بگیری" به‌ظاهر کنش ترغیبی استفهامی است؛ اما منظور گوینده به‌طور غیرمستقیم در کنش عاطفی از نوع سرزنش نهاده شده است تا وی را در درخواست طلاق به تجدیدنظر ترغیب کند.

باتوجه به اینکه نمی‌توان تمام کنش‌های گفتاری به‌کاررفته در تعداد بیست جلسه ضبط‌شده از شورای حل اختلاف را در این مجال ارائه داد، کاربرد کنش‌های گفتاری مستقیم و غیرمستقیم در برخی از پاره‌گفتارها در پیکره زبان مذکور در جدول شماره (۱) نمایش داده می‌شود.

جدول ۱. کاربرد کنش‌های گفتاری مستقیم و غیرمستقیم در برخی از پاره‌گفتارهای پیکره زبانی

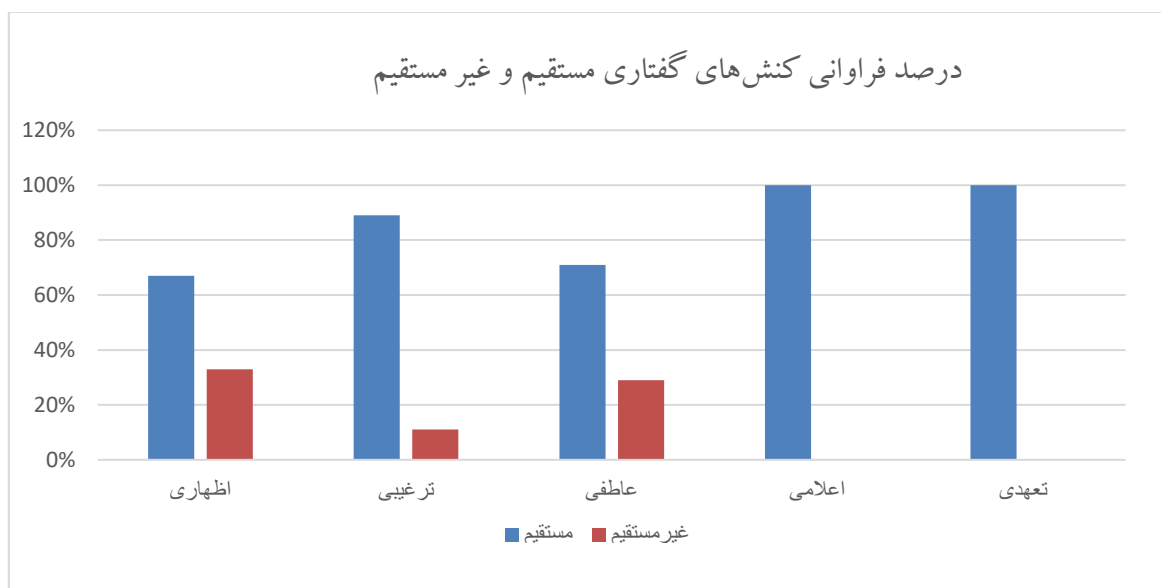
شماره جلسه	شماره گفتار	پاره گفتار	کاربرد
۱	۱	مشکلاتت چه ربطی به خانمت داره؟	مستقیم ترغیبی
			غیرمستقیم ترغیبی
۲	۲	آینده بچه‌هاتان چه میشه؟	ترغیبی
۴	۳	من شاگرد حضرت عالی هستم!	اظهاری
۵	۴	توی دعوا حلوا پخش نمی‌کن!	اظهاری
۶	۵	شما این قرارداد رو هی می‌بری و میاری!	اظهاری
۸	۶	باید حق زحمتش رو بدی	اظهاری
۸	۷	شما برادرین!	اظهاری
۹	۸	شما دارین دخترتان بیچاره می‌کنین!	اظهاری
۹	۹	قانون هر تصمیمی بگیره به ضرر شماست	اظهاری
۱۰	۱۰	بهتره تجدید وقت بدیم خودشان بیان توی جلسه	اظهاری
۱۰	۱۱	هیچ زنی برای بچه‌هات مادرشان نمیشه	اظهاری
۱۱	۱۲	جوراب‌فروشی که نیست اسباب بذاری توی کارتون	اظهاری
۱۲	۱۳	شما زندگی‌تان به‌راحتی تشکیل ندادین	اظهاری
۱۳	۱۴	با خانواده‌اش چه کار داریم؟	ترغیبی (امر)
			غیرمستقیم (استفهام)
۱۴	۱۵	تمام زن‌های کرمانشاه و شاباد همه‌شان مشکل بینی دارن	اظهاری
۱۴	۱۶	وظیفه‌ات اینه که دست و پاشه بشوری	اظهاری
۱۴	۱۷	زن بددهن نمی‌شه	اظهاری
۱۵	۱۸	بیست سال تحمل کردی، یه هفته هم روش	اظهاری
۱۵	۱۹	تو بیست سال باهات زندگی کردی	اظهاری
۱۶	۲۰	هر جا دوست داره بچه ره ببره چیه؟	ترغیبی
۱۶	۲۱	بی خانمانه؟	ترغیبی
۱۸	۲۲	من حتی از اسم طلاق حالم بد میشه	اظهاری
۲۰	۲۳	حیف نیست؟	ترغیبی
۲۰	۲۴	اگه مشکلی برای شما پیش بیاد برادر کجا بود؟	ترغیبی

در مجموع ۱۲۵۶ کنش گفتاری از پیکره زبانی بحث‌های اعضای شورای حل اختلاف در بیست جلسه استخراج گردید. همان‌گونه که در نمودار شماره ۱ مشاهده می‌شود، کنش‌های گفتاری به ترتیب فراوانی، عبارت‌های اظهاری، ترغیبی، عاطفی، اعلامی و تعهدی را شامل می‌شوند. عضو شورا با بهره‌گرفتن از افعالی با کنش اظهاری می‌کوشد وضعیت پرونده را برای طرفین تبیین کند. سپس با استفاده از افعالی با کنش ترغیبی، به‌ویژه در قالب امر، تلاش می‌کند آن‌ها را به سمت سازش سوق دهد. وی با این گمان که کنش عاطفی مستقیم، در آن موقعیت در آن‌ها تأثیر چندانی نخواهد داشت، از آن با بسامد بسیار کمتری استفاده می‌کند. همچنین در مورد فراوانی کنش اعلامی، می‌توان حدس زد که عضو شورای حل اختلاف از قدرت کلام خود که زمینه‌ساز تأثیر در مخاطب است غافل شده، از این کنش گفتاری بهره کافی نمی‌برد. درباره کاربرد بسیار اندک کنش گفتاری تعهدی می‌توان گفت که از عاملیت آن در میان مردم کاسته، تأثیرگذاری آن جهت نیل به سازش کم‌رنگ شده است.



نمودار ۱. فراوانی کنش‌های گفتاری ۲۰ جلسه شورای حل اختلاف

در نمودار بعدی (شماره ۲) درصد فراوانی کنش‌های گفتاری مستقیم و غیرمستقیم برای هر پنج مقوله نمایش داده شده است. چنانکه در آن نمودار مشاهده می‌شود ۶۷ درصد کنش گفتاری اظهاری در این پیکره زبانی به‌طور مستقیم و ۳۳ درصد در قالب کنش گفتاری غیرمستقیم مورد استفاده قرار گرفته است. گوینده که می‌داند برای رسیدن به سازش باید تأثیر کلام خود را افزایش دهد، از کنش‌های اظهاری به‌طور غیرمستقیم با محور تنبیه، تحذیر، سرزنش، تذکر و... در قالب کنش‌های عاطفی و ترغیبی بهره می‌گیرد. از کنش‌های ترغیبی بررسی شده ۸۹ درصد به‌طور مستقیم و ۱۱ درصد به‌صورت فعل مضمون در سخن به‌کار رفته است. همچنین کنش‌های ترغیبی در لایه غیرمستقیم نیز ممکن است ترغیبی باشند؛ اما در قالب دیگری، مانند پاره‌گفتارهای استفهام انکاری که نه برای طرح سؤال که برای تذکر دادن به‌کار می‌روند. همچنین ۷۱ درصد کنش‌های گفتاری عاطفی ابراز شده توسط اعضای شورای حل اختلاف به‌طور صریح و ۲۹ درصد از آن‌ها به‌طور ضمنی پیام‌رسانی کرده‌اند. در مورد کنش‌های گفتاری اعلامی و تعهدی نیز می‌توان گفت که با وجود کاربرد محدود آن‌ها در پیکره زبانی استخراج شده که خود نیازمند بررسی است، همگی به‌صورت صریح و مستقیم بیان شده‌اند.



نمودار ۲. درصد فراوانی کنش‌های گفتاری مستقیم و غیرمستقیم

نتیجه‌گیری

«زبان» مهم‌ترین ابزار کار عضو شورای حل اختلاف است که برای رسیدن به سازش بین طرفین دعوا، از آن به صورت گفتار بهره می‌برد؛ بنابراین، آشنایی با مؤلفه‌های کاربردشناختی زبان برای تأثیرگذاری بیشتر در مخاطب برای اعضای شورا ضرورت دارد. بدیهی است که این مؤلفه‌ها با بافت موقعیتی شورای حل اختلاف که زبان در آن مورد استفاده قرار می‌گیرد باید سازگار باشد. همچنین کلام صرفاً با دانش درون‌زبانی و فارغ از معانی که در لایه‌های زیرین آن پنهان شده، قادر به شکل‌دهی مفاهیم خاص در ذهن طرفین و برقراری ارتباط و ایجاد واکنش مناسب از جانب آن‌ها نخواهد بود.

در پژوهش حاضر که به بررسی گفت‌وگوهای بیست جلسه شورای حل اختلاف باهدف تحلیل کنش‌های گفتاری بر اساس نظریه جان سرل به صورت تحلیلی-توصیفی پرداخته‌است، پرسش‌های مطرح این بود که چه انواعی از این کنش‌ها و با چه بسامدی در گفتمان شورای حل اختلاف نمود پیدا می‌کنند؟ و بازیابی کنش‌های گفتاری غیرمستقیم "فعل مضمون در سخن" در این گفتمان چه نتایجی را در پی خواهد داشت؟

- نتایج تحلیل داده‌ها نشان می‌دهد که در گفتمان بیست جلسه شورای حل اختلاف هر پنج کنش گفتاری اظهاری، ترغیبی، عاطفی، اعلامی و تعهدی نمود دارند. در این میان، بیشترین بسامد به کنش گفتاری اظهاری و ترغیبی اختصاص دارد و اختلاف بین این دو کنش و سه کنش گفتاری دیگر قابل ملاحظه است. عضو شورا با توجه به بافت، برای تبیین صریح وضعیت موجود، تأکید بر موقعیتی که طرفین دعوا در آن قرار دارند، تشریح و تفسیر دیدگاه قانون در مورد پرونده‌ها، نتیجه‌گیری از گفت‌وگو و...کنش گفتاری اظهاری را برمی‌گزینند. از سویی، با استفاده از افعالی با کنش ترغیبی به‌ویژه در قالب امر به‌طور مستقیم، می‌کوشد طرفین را برای برقراری سازش برانگیزد؛ همچنین کنش گفتاری ترغیبی در قالب سؤال در کسب اطلاعات و کنترل جلسه به عضو شورا کمک شایانی می‌کند. اما اعضای شورای حل اختلاف به دلیل موقعیت-سنجی و احتمال تأثیرگذاری کمتر بر مخاطبانی که در حال مشاجره هستند، از کنش گفتاری عاطفی مستقیم با بسامد کمتری بهره می‌جویند و کاربرد آن را بیشتر به جلب توجه طرفین محدود می‌کنند. کنش گفتاری اعلامی که در مرتبه چهارم فراوانی قرار دارد جهت اعلام وضعیتی که

ممکن است طرفین از آن بی‌اطلاع باشند، به‌کار می‌رود. دلیل بسامد پایین آن را می‌توان در این نکته جست که آن‌ها قدرت تأثیرگذاری و عاملیت کنش‌های اعلامی را در حیطه اختیار دادسرا می‌دانند. بنابراین با احتیاط بیشتری از آن استفاده می‌کنند. پنجمین کنش از لحاظ کاربرد، کنش گفتاری تعهدی است. عضو شورا با در نظر گرفتن بافت موقعیت و شرایطی که طرفین دعوا در آن قرار دارند، می‌داند که تأثیرگذاری این کنش در پایین‌ترین سطح خود قرار دارد و شاید دلیل کلی آن را با احتمال می‌توان در عوامل جامعه‌شناختی یافت که تعهد کلامی در میان مردم جایگاه ارزشی خود را تقریباً از دست داده‌است و این خود نیازمند بررسی‌های بعدی است.

- تحلیل داده‌ها و خوانش نظام‌مند پیکره زبانی نشان داد که در این پژوهش محور اصلی گفت‌وگوها کنش گفتاری غیرمستقیم از نوع عاطفی و سپس ترغیبی است. بازخوانی این کنش‌ها حکایت از آن دارد که عضو شورا، بیشتر در صدد تذکر دادن، تخویف از عواقب اختلاف به‌وجود آمده، هشدار بابت پیامد ارجاع پرونده به دادگستری، توبیخ و سرزنش طرفین، تحذیر از ادامه درگیری، توصیه جهت رفع اختلاف و... است. اما باید در نظر داشت که گنجاندن این پیام‌ها در لایه‌های زیرین کلام و در قالب کنش گفتاری غیرمستقیم بر تأثیرگذاری آن‌ها خواهد افزود. نکته آخر اینکه با وجود موفقیت نسبی نهاد شورای حل اختلاف در کاهش پرونده‌های ورودی به دادگستری‌ها و ارتقای فرهنگ سازش در جامعه، ناآشنایی اعضای این شورا با تحلیل گفتمان کاربردی و حقوقی در روند رسیدگی به پرونده‌ها در شورا و نقش مؤثر آن در دستیابی به هدف موردنظر، بی‌گمان مانعی در بهره‌مندی کامل از قابلیت و توانایی این نهاد و موجب کاهش بازدهی آن خواهد بود.

تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

حامی مالی

این پژوهش حامی مالی نداشته است.

EXTENDED SUMMARY

John Searle's Speech Act Theory has become a pivotal framework in analyzing language as a form of social action, particularly in institutionalized settings such as legal discourse. Rooted in pragmatics, the theory examines how language serves purposes beyond communication, functioning as a mechanism for enacting social roles and responsibilities (Searle, 1969). In the context of dispute resolution, understanding the linguistic strategies employed by mediators can reveal how language facilitates or impedes conflict resolution processes. The Dispute Resolution Council, established in Iran to alleviate judicial burdens and promote reconciliation, presents a unique platform for applying this theory to real-world disputes.

The council's primary objective is to foster peace among disputing parties, employing language as its primary tool for negotiation and persuasion. Unlike courtroom settings where legal authority dominates, councils rely on subtle linguistic strategies to guide disputants toward agreement. This study focuses on 20 sessions of the Islamabad West Dispute Resolution Council, exploring how speech acts contribute to the resolution process. By categorizing and analyzing utterances using Searle's taxonomy, this research uncovers patterns and strategies that define the council's approach to conflict management.

The conceptual foundations of this study are grounded in John Searle's extension of J.L. Austin's foundational work on speech acts. Searle categorized speech acts into five types: assertives, directives, expressives, commissives, and declaratives (Searle, 1969, 1975). These acts are integral to understanding how meaning is constructed and conveyed in discourse, particularly in settings where outcomes hinge on the speaker's ability to influence actions and perceptions.

In legal and quasi-legal settings, the theory's relevance extends beyond academic inquiry to practical applications. For instance, directives are often employed to encourage compliance, while expressives serve to align emotional states. Indirect speech acts—where implied meanings differ from literal ones—are particularly significant in mediatory roles. By blending elements of assertiveness with empathy, mediators can effectively manage disputes without exacerbating tensions (Cook, 2009). The theory thus provides a robust framework for analyzing the linguistic subtleties within the Dispute Resolution Council.

This study employs a descriptive-analytical approach to analyze linguistic data drawn from 20 recorded sessions of the Islamabad West Dispute Resolution Council. The corpus comprises transcripts of disputes ranging from family disagreements to financial claims and property conflicts. Data collection adhered to ethical guidelines, including judicial approval for recording and transcription. Using Searle's five speech act categories, the data were coded and analyzed with MAXQDA software to identify patterns and trends in speech act usage.

The sessions were chosen to ensure a diverse representation of cases, spanning a three-month period. Each session was meticulously transcribed, and utterances were classified into direct and indirect speech acts. The analysis focused on the frequency and distribution of speech acts, exploring their contextual implications for dispute resolution. Quantitative insights were combined with qualitative interpretations to provide a comprehensive understanding of the council's linguistic strategies.

The analysis identified 1,256 distinct speech acts across the 20 sessions. Assertive speech acts emerged as the most prevalent, constituting 46% of the corpus. These were followed by directives (27%), expressives (15%), declaratives (8%), and commissives (4%). The assertive acts predominantly involved explanations of legal contexts and case clarifications, ensuring disputants understood their positions. Directives, often phrased as suggestions or recommendations, aimed to guide disputants toward reconciliation.

Indirect speech acts accounted for 33% of the total, with expressive and directive acts frequently employed to convey implicit meanings. For example, council members used phrases like “perhaps you could reconsider” to soften criticism or “it’s in everyone’s interest” to encourage cooperation. Declaratives were primarily used to announce decisions, such as final agreements or procedural steps. Commissives, while less frequent, often appeared in the form of promises or assurances to build trust among the parties.

Quantitative trends revealed that sessions with higher assertive speech acts had a 70% success rate in achieving agreements, compared to 50% for those dominated by directives. This suggests that clear, explanatory language enhances mutual understanding, which is critical for resolution. Expressives were more common in emotionally charged cases, highlighting their role in mitigating tension.

The findings underscore the multifaceted role of language in the Dispute Resolution Council, where speech acts serve as tools for persuasion, clarification, and emotional regulation. The dominance of assertive acts aligns with the council's mediatory function, as clear communication is essential for establishing trust and credibility. However, the frequent use of indirect speech acts suggests an

awareness of the delicate power dynamics in these interactions. By embedding assertiveness within expressives and directives, council members navigate the thin line between authority and empathy. These findings are consistent with broader research on legal pragmatics, which highlights the importance of tailoring speech to context and audience (Aghagolzadeh & Zaeri, 2015). Moreover, the study demonstrates how linguistic strategies vary depending on the nature of the dispute. For instance, financial disputes favored assertive and directive acts, while family conflicts required more expressive interventions to address underlying emotions. This adaptability underscores the need for pragmatic training among council members to enhance their effectiveness. This study illuminates the critical role of speech acts in the Dispute Resolution Council, demonstrating how language functions as a mediator's most potent tool. The findings highlight the strategic deployment of assertives and indirect speech acts to foster understanding and encourage cooperation. By integrating insights from pragmatics into the council's practices, the efficacy of dispute resolution efforts could be significantly enhanced.

References

- Aghagolzadeh, F. (1996). *Critical Discourse Analysis*. Entesharat elmi va farhangi (Scientific and Cultural Publication Corporation).
- Aghagolzadeh, F. (2005). Legal Linguistics: A New Approach in Applied Linguistics. Proceedings of the second conference of the Linguistics Association of Iran, Tehran.
- Aghagolzadeh, F. (2012). *Forensic Linguistics: Theoretical and Practical Approach*. Elm.
- Aghagolzadeh, F. (2013). *Descriptive Culture of Discourse Analysis and Pragmatics*. Elm.
- Aghagolzadeh, F., & Zaeri, A. (2015). Description and analysis of the verbal and non-verbal ways of the defendants to persuade the public courts of Iran: Analysis of the discourse of the criminal court (legal linguistics). Second National Conference on Legal Linguistics, Legal Discourse Analysis, Tehran.
- Asgari, M., & Rahimi, S. A. (2013). Analysis of legal discourse: Analysis of the role of discourse in the legal context. *Fasnamhe Jostarhaye Adabi (Linguistic Essays Quarterly)*(4), 151-172.
- Austin, J. L. (1970). *How to Do Things with Words*. Oxford University Press.
- Badakhshan, I., Masoud, D., & Farshad, D. (2015). Usageological analysis of Austin and Searle's theory of speech acts in inquiry text. Second National Conference on Legal Linguistics: Legal Discourse Analysis, Tehran.
- Brinton, I. J. (2000). *The Structure of Modern English: A Linguistic Introduction*. John Benjamins Publishing Company. <https://doi.org/10.1075/z.94>
- Chiman, S. (2005). *From philosophy to linguistics*. Gameno.
- Cook, G. (2009). *Applied Linguistics*. Kermanshah Razi University Press.
- Coulthard, M., Johnson, A., & Wright, D. (2017). *An Introduction to Forensic Linguistics: Language in Evidence*. Routledge.
- Hosseini, M. Z., & Hassanpour, K. (2012). *Speech Analysis: (Critical) Discourse Analysis and Analysis of Words*. Rahnama.
- Mulla Ebrahimi, I., & Sepehr, A. (2022). Serrel's Speech Act in the Field of Pragmatics (Case Study of Sureh Yasin). *Dufasnameh Pajouheshnameh Ghourani (A Bi-Annual Research Paper on Qur'anic Interpretations)*, 4(7), 144-164.
- Najafi, P., Haqbin, F., Mir Azadi, F., & Ahmadvand, S. (1403). Positioning and Seeking Participation in Arbitration Theories in the Family Court: A Research in the Discourse of Judicial Analysis. *Pajouheshhai Zbanshenasi (Linguistic Research)*, 16(30), 1-24.
- Safavi, K. (2004). *An Introduction to Semantics*. Sureh Mehr.
- Searle, J. (2006). *Verbs of Speech: An Inquiry in the Philosophy of Language*. Pajouheshgah Oloum va Farhang e Islami (Islamic Science and Culture Research Institute).
- Searle, J. R. (1969). *Speech Acts: An Essay in the Philosophy of Language*. Cambridge University Press. <https://doi.org/10.1017/CBO9781139173438>
- Searle, J. R. (1975). A Taxonomy of Illocutionary Acts. In *Language and Knowledge*. University of Minneapolis Press.